

## مقررات گذاری در چین از منظر حقوق بین الملل معاهدات

سبحان طیبی<sup>۱</sup>

سعید شبانی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۱۱

### چکیده

چین طی سی سال گذشته در اجرای تعهدات بین المللی در نظام حقوقی داخلی خود پیشرفت قابل توجهی داشته است. اگرچه قانون اساسی و قوانین عادی چین، درباره وضعیت معاهدات در نظام حقوقی داخلی قوانین کلی را وضع نمیکنند اما تعهدات ماهوی معاهداتی که چین به آن ملحق شده است تا حد زیادی در قوانین داخلی اعمال شده و مستقیماً بر فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی کشور تأثیر میگذارند. این مقاله به بررسی اشکال و روش‌های مختلفی که چین تعهدات بین‌المللی خود را در سطح داخلی اعمال می‌کند می‌پردازد. در همین راستا، تعداد پرونده‌هایی که در آن دادگاه‌ها از مقررات مربوط به معاهدات استفاده می‌کنند در حال افزایش است که این نشان از عزم چین برای پایبندی هر چه بیشتر به تعهدات بین‌المللی‌اش است. در زمینه‌های مدنی و تجاری، معاهدات بین‌المللی در درجه اول، در پرونده‌هایی با عناصر خارجی اعمال می‌شود، در حالی که در قانون جزایی، چین تقریباً تمام جنایات بین‌المللی را به عنوان جرایم جنایی تحت قوانین کیفری ملی خود قرار داده است و طی سی سال گذشته با توجه به اجرای تعهدات بین‌المللی در نظام حقوقی داخلی خود پیشرفت قابل توجهی داشته است. این مقاله به بررسی اشکال و روش‌های مختلفی که چین تعهدات بین‌المللی خود را در سطح داخلی اعمال می‌کند می‌پردازد تا موقعیت چین را در نظام بین‌المللی نشان دهد.

**واژگان کلیدی:** چین، حقوق بین الملل، معاهدات، حقوق داخلی، تعهدات

\*۱-دکتری حقوق بین الملل محیط زیست، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

Sobhantayebi@yahoo.com

۲-دانشجوی دوره دکتری حقوق اقتصاد بین الملل، دانشگاه جیاتونگ، شانگهای، چین.



## مقدمه

از زمان تأسیس جمهوری خلق چین در سال ۱۹۴۹، اجرای تعهدات بین‌المللی که دولت چین بر عهده گرفته با اصل حسن نیت نه تنها یکی از خط مشی‌های اساسی سیاست خارجی چین بوده بلکه یک اصل اساسی در قوانین چین است. طبق قوانین چین، تمام معاهدات بین‌المللی که چین می‌خواهد به آن ملحق شود باید به موجب مقررات قانون جمهوری خلق چین (در مورد نحو پذیرش معاهدات از این پس به اختصار قانون معاهدات نامیده می‌شود که در سال ۱۹۹۰ تصویب شد<sup>۱</sup> و تمام اقدامات قانونی داخلی منطبق باشد. بنابراین، با توجه به ماهیت معاهدات مربوطه و مأموریت شعبه دولتی طرف قرارداد، معاهدات بین‌المللی که چین عضو آن است به صورت اصل در قانون داخلی قابل اجرا است، بجز آن مقرراتی که چین حق شرط خود را در آن‌ها اعمال کرده است. اما با توجه به تنوع وسیعی از معاهدات بصورت شکلی و ماهوی، اجرای داخلی این معاهدات را به مسئله‌ای پیچیده تبدیل کرده است. طبق قانون معاهدات، معاهدات را می‌توان در سه سطح بررسی کرد: بین حکومت‌ها، بین دولت‌ها محلی و بین ادارات دولتی. این اصل واضح است که معاهدات با توجه به ماهیتشان دارای اثر مختلفی در سیستم داخلی کشور هستند و همه معاهداتی که منعقد شده‌اند نمی‌توانند قسمتی از قانون داخلی باشند. در قوانین بین‌المللی برخی از معاهدات به طور مستقیم برای کشور طرف قرارداد حقوق و تعهداتی را مشخص می‌کند، در حالی که معاهدات دیگر حقوق و تعهدات را برای افراد و اشخاص حقوقی وضع می‌کنند. اگر چه در سطح بین‌المللی مسئولیت بین‌المللی برای دولت‌ها فرض شده است اما اینکه در سطح داخلی، دولت‌ها چطور این تعهدات را اجرا کنند و حقوق و تعهدات را برای افراد و اشخاص حقوقی به رسمیت بشناسند و یا اینکه با چه روشی سیستم داخلی خود را با سیستم بین‌المللی تطبیق دهد کاملاً به سیستم حقوقی دولت طرف قرارداد بستگی دارد. در حال حاضر قانون اساسی چین و قوانین اساسی<sup>۲</sup> آن هیچ مقرراتی درباره وضعیت قانونی معاهدات بین‌المللی و سلسله مراتب آن‌ها در نظام حقوقی داخلی ندارند و به طور کلی، معاهدات بین‌المللی، حتی پس از تصویب یا تایید، به طور خودکار بخشی از قوانین ملی نمی‌شوند و در نتیجه به طور خودکار اثر قانونی داخلی ندارند (CJIL, 2009, 299)

## وضعیت حقوقی معاهدات در قانون داخلی چین

<sup>۱</sup> Law of the People's Republic of China on the Procedure of the Conclusion of Treaties

<sup>۲</sup> منظور از قوانین اساسی، قوانینی است که فصل ۲ قانون، قانونگذاری چین از آنها نام برده است و و این موارد شامل تفاسیر حقوقی ( که قدرت قانون را دارند) محدودیتهای قانون، آئین قانونگذاری، آئین قانونگذاری کمیته دائمی کنگره ملی است.



طبق مقررات قانون اساسی چین و قانون معاهدات، کنگره ملی خلق چین<sup>۱</sup> باید در مورد تصویب و الحاق به معاهدات و موافقت نامه های مهم با کشورهای خارجی تصمیم بگیرد. بر اساس ماده ۷ قانون معاهدات، عبارت «معاهدات و توافقات مهم» عبارتند از: معاهدات دوستی و همکاری، معاهدات صلح و سایر معاهدات سیاسی، معاهدات و موافقت نامه ها در قلمروها و تعریف مرزها، معاهدات و توافقات در مورد کمک های قضایی و استرداد و معاهدات و موافقت نامه هایی که مقرراتی متناقض با قوانین ملی دارند شامل می شود. شورای دولتی<sup>۲</sup> دارای اختیارات قانونی جهت انعقاد موافقت نامه با کشورهای خارجی است.<sup>۳</sup>

به طور کلی، مذاکره و تصویب معاهدات بین المللی با کشورهای خارجی باید توسط شورای دولتی تصویب شود، یا برای ثبت به آن شورا درخواست داده شود. در صورتی که، اصلاح یا تجدید نظر در قوانین داخلی برای هدف معاهده ضروری باشد، روند قانونی داخلی برای تصویب یا تایید این معاهده باید همان روش قانونی برای قانونگذاری مربوطه داخلی باشد.

با وجودی که قانون اساسی رابطه بین قانون گذاران معاهده<sup>۴</sup> و قانون گذار<sup>۵</sup> را مشخص نمی کند، مقررات مربوطه قانون اساسی و قانون معاهدات محدودیت های قانونی خاصی را برای قانون گذاران معاهده هم به صورت شکلی و هم به صورت ماهوی ایجاد می کند. به بیان دیگر، ماهیت و موضوع یک معاهده مشخص می کند که کدام سازمان دولتی صلاحیت دارد که معاهده را تصویب کند و اینکه باید چه روند قانونی داخلی را دنبال کند. ادارات دولتی قدرت انعقاد معاهده با کشور خارجی را خارج از حوزه اختیارشان ندارند، مگر اینکه به طور خاص، از سوی شورای دولتی یا ادارات مربوطه با آنها تفویض اختیار شده باشد. روند قانونی داخلی برای به رسمیت شناختن معاهدات، وضعیت و اثرات معاهدات را در قانون داخلی تعیین می کند. بدون مجوز مناسب، ادارات دولتی نمی توانند از طرف دولت با کشورهای خارجی قراردادها را امضا کنند. از آنجاییکه مذاکرات معاهده باید مطابق قانون معاهدات و با پیروی از

<sup>1</sup> National People's Congress

<sup>2</sup> شورای دولتی State Council مترادف دولت مرکزی خلق چین است، بازوری اجرایی یا مقام ارشد اداری جمهوری خلق چین است که به صورت ویژه با دولتهای محلی چین در ارتباط است.

<sup>3</sup> طبق قانون اساسی، شورای دولتی چین متشکل از نخست وزیر، نایب رئیس، مشاوران امور دولتی، وزیران، حسابرسان کل و دبیر کل است. نخست وزیر مسئولیت کلی شورای دولت را بر عهده دارد، در حالیکه وزرا مسئولیت کلی وزارتخانه ها یا کمیسیون های تحت مسئولیت خود را بر عهده دارند. برای اختیارات و کارکردهای شورای دولتی، به اصل ۸۹ قانون اساسی چین مراجعه کنید.

<sup>4</sup> Treaty- Making Power

<sup>5</sup> Legislative Power



روند قانونی مناسب از ابتدا تا انتها انجام شود، اختیارات قانون گذاران معاهده به شدت توسط قانون محدود شده است (Cai, 2016, 45)

قانون، قانونگذاری جمهوری خلق چین، که در سال ۲۰۰۰ تصویب شد (از این پس به اختصار قانون، قانون گذاری نامیده می‌شود). سلسله مراتب قانون داخلی چین را ایجاد کرد. بر این اساس قانون اساسی بالاترین و برترین مرجع قانون چین و به دنبال آن قوانین ملی، مقررات اداری و قوانین محلی در این سلسله مراتب قرار می‌گیرند. قانون، قانون گذاری جمهوری خلق چین همچنین شامل مقررات مربوط به قدرت قانونگذاری و مراحل شکلی قانون گذاری، سازمان‌های اداری و نمایندگی آنها در سطوح مختلف است. پاراگراف ۲ از ماده ۵ قانون اساسی چین حاکی از آن است که "هیچ قانون یا قوانین و مقررات اداری و محلی نمی‌تواند قانون اساسی را نقض کند". اگر چه قانون هیچ اشاره‌ای به وضعیت معاهدات بین‌المللی در نظام حقوقی داخلی نمی‌کند، به طور کلی پذیرفته شده است که معاهدات بین ادارات دولتی نباید با قوانین سطح بالاتر مغایرت داشته باشند و معاهداتی که بین حکومت‌ها یا دولت‌ها منعقد می‌شود نباید قانون اساسی یا قوانین اساسی دیگر را نقض کنند، مگر اینکه مجلس قانون گذاری اصلاحات لازم را در قانون اساسی یا قوانین مربوطه انجام داده باشد. طبق ماده ۸ قانون، قانون گذاری چین، مسائل مربوط به حوزه‌های مهم خاص باید به طور انحصاری توسط کنگره ملی و کمیته دائمی این کنگره تصویب و اداره شود. چنین مسائل مهم خاص شامل موارد زیر می‌شود: حاکمیت ملی، جرایم جنایی و مجازات، حقوق اساسی شهروندان، سلب مالکیت دارایی‌های غیر دولتی، یا مسائل مربوط به سیستم‌های حقوقی در امور مدنی، مالی، مالیات، آداب و رسوم و تجارت؛ سیستم قضایی و داوری. بر این اساس، هر معاهده‌ای که بر موضوعات مذکور تأثیر می‌گذارد، باید برای تصویب یا الحاق همانند روش تصویب قانون داخلی به کمیته دائمی کنگره ملی خلق ارسال شود و تنها پس از تصویب این کمیته است که وجاهت قانونی پیدا می‌کند.<sup>۱</sup> بنابراین، به عنوان مثال، تصویب میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶ و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ که شامل اصلاحات لازم در قوانین مربوطه داخلی چین می‌شود و در موارد ذکر شده تأثیر می‌گذارد، نیازمند به تایید کمیته دائمی کنگره ملی

<sup>۱</sup> دامنه ماده ۷ قانون آیین دادرسی معاهده و ماده ۸ قانون، قانون قانونگذاری یکسان نیست و یک همپوشانی جزئی بین این دو دسته وجود دارد. ماده ۷ قانون آیین دادرسی معاهده تعیین می‌کند که کدام معاهدات قبل از این که چین تعهدات قانونی بین‌المللی را بر عهده بگیرد ملزم به تصویب کمیته دائمی کنگره ملی خلق چین است. ماده ۸ قانون قانون گذاری، تعیین می‌کند چه قوانینی باید توسط کنگره ملی خلق چین تصویب شود. اگر یک معاهده مستلزم اصلاح یا لغو قوانین داخلی موجود که توسط کنگره ملی خلق چین تصویب شده است باشد، باید برای بررسی به کمیته دائمی ارائه شود، حتی اگر در رده معاهده‌های مقرر در ماده ۷ قانون آیین دادرسی معاهدات نباشد.



خلق چین است (Keyuan, 2010, 935) همانطور که در زیر نشان داده خواهد شد، تعهدات ماهوی معاهدات در حقوق داخلی تنها زمانی تاثیر گذار و در حقوق داخلی قابل اجرا می‌شوند که از طریق مقررات خاص ملی قانون گذاری شده باشند. این نوع قانون گذاری کاملاً با توافقات همکاری منعقد شده بین ادارات دولتی که کاملاً توسط مقررات اداری، اداره می‌شوند و برای اجرا به قانون گذاری ملی احتیاج ندارند متفاوت است.

### رابطه بین معاهدات و قانون داخلی

این واقعیت که قانون اساسی و قوانین موضوعه چین هیچ قاعده کلی درباره رابطه بین معاهدات و قانون داخلی ندارد، به این معنی نیست که این موضوع در قانون اساسی و رویه حقوقی کاملاً نادیده گرفته شده است. برعکس از آنجا که چین در پایان سال ۱۹۷۸ سیاست‌های بازو اصلاحات اقتصادی را به تصویب رساند، قوانین ملی در مورد جنبه‌های قانونی با عناصر خارجی پیشرفت‌های زیادی داشته است. چین علاوه بر موافقتنامه‌های متعدد دوجانبه و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی با کشورهای خارجی، در حال حاضر عضو بیش از ۳۰۰ پیمان چند جانبه است. در نتیجه، مسئله وضعیت تعهدات قراردادی در نظام حقوقی داخلی باید لحظه به لحظه مورد توجه قرار گیرد. در حال حاضر، حدود ۷۰ قانون داخلی با مقررات صریح در ارتباط با تعهدات قراردادی وجود دارد. این مقررات، اعم از قوانین رویه‌ای گرفته تا قوانین اساسی، از قوانین کیفری و مدنی گرفته تا مقررات اداری، مبنای قانونی استفاده از معاهدات بین‌المللی در سیستم حقوقی داخلی چین را تشکیل می‌دهد.<sup>۱</sup>

به طور کلی، این مفاد دارای ویژگی‌های زیر است.

اولین رویکرد یک قاعده حل و فصل تعارض قوانین معمولاً در سیستم حقوقی به تصویب رسیده است و مشخص می‌کند که اگر اختلاف بین قانون داخلی مربوطه و معاهده مربوطه که چین عضو آن می‌باشد بوجود آید، مقررات معاهده حاکم می‌شود، مگر اینکه چین حق خود را در این مورد از حق شرط استفاده کرده باشد. قانون آئین دادرسی مدنی اولین قانون ملی بود که در سال ۱۹۸۲ با این قاعده به تصویب رسید. ماده ۱۸۹ قانون آئین دادرسی مدنی که در سال ۱۹۸۲ به تصویب رسید می‌گوید که برای رسیدگی های مدنی در مورد عناصر خارجی، "اگر یک معاهده بین‌المللی که جمهوری خلق چین آن را به تصویب

<sup>۱</sup> این قوانین داخلی زمینه‌های مختلفی از جمله اقتصاد، تجارت، گمرک، حمل و نقل، هواپیمایی کشوری، مالکیت معنوی، مارک تجاری، داوری، خلع سلاح، انرژی هسته‌ای، حقوق بین‌الملل خصوصی، کمکهای قضایی، سرکوب جرایم فراملی و غیره را در بر می‌گیرد.



رسانده یا به آن ملحق شده است، حاوی مقرراتی است که از مقررات این قانون متفاوت باشد، مفاد معاهده بین‌المللی باید اعمال می‌شود، بجز در مواردی که چین حق خود را در آن رزور کرده است. (Cai,2016,47)."

مقررات مشابهی در ماده ۲۳۸ قانون آیین دادرسی مدنی جمهوری خلق چین، مصوب سال ۱۹۹۱ نیز وجود دارد. ماده ۱۴۲ از فصل ۸ اصول کلی قانون مدنی جمهوری خلق چین، مصوب سال ۱۹۸۶، در ارتباط کاربرد قانون در روابط مدنی با عناصر خارجی مقرر کرده است:

استفاده از قانون در روابط مدنی با عناصر خارجی باید با مقررات این فصل تعیین شود. اگر هر معاهده بین‌المللی که توسط جمهوری خلق چین به تصویب رسیده یا به آن ملحق شده است، از مقررات قانون مدنی جمهوری خلق چین متفاوت باشد مقررات معاهده بین‌المللی اعمال می‌شود، مگر اینکه این مقررات از معاهداتی باشد که جمهوری خلق چین حق رزور خود را در آن اعمال کرده است. در مواردی که نه قوانین چین و نه قوانین بین‌المللی درباره یک موضوع خاص هیچگونه مقرراتی را وضع نکرده باشند، ممکن است عرف و رویه بین‌المللی مورد استفاده قرار بگیرد.

با توجه به دستورالعمل قضائی تفسیر و کاربرد قوانین صادر شده توسط دادگاه عالی، اصطلاح «روابط مدنی و پرونده با عناصر خارجی» به معنی روابط مدنی و مواردی است که در آن (۱) یک طرف یا هر دو طرف اختلاف اتباع خارجی هستند، اشخاص بدون تابعیت، شرکت‌های خارجی یا سازمان‌های خارجی، (۲) چارچوب‌های قانونی که ایجاد، اصلاح یا لغو روابط قانونی مدنی بین طرفین در سرزمین‌های خارجی ایجاد می‌کند، یا (۳) موضوع اختلاف در یک کشور خارجی قرار دارد.

علاوه بر مقررات مندرج در این دو اصل اساسی، قوانین مشابه نیز در ده‌ها قوانین مربوط به موضوعات خاص، از جمله، قانون جانشینی سال ۱۹۸۵<sup>۱</sup>، قانون پستی سال ۱۹۸۷<sup>۲</sup>؛ قانون حفاظت از محیط زیست سال ۱۹۸۹؛ قانون علائم تجاری که در سال ۱۹۸۲ تصویب شد و در سال ۱۹۹۳ اصلاح شد؛ قانون ثبت اختراع که در سال ۱۹۸۴ تصویب شد و در سال ۱۹۹۲ اصلاح شد؛ قانون دریایی سال ۱۹۹۲؛ و قانون اسناد تجاری سال ۱۹۹۵ آورده شده است. با الهام از این مقررات در قوانین داخلی، معاهدات بین‌المللی تاثیر خود را در سیستم داخلی جهت چیره شدن بر قوانین داخلی بدست می‌آورند (Keyuan,2010,935)

<sup>1</sup> the Law of Succession <https://www.fmprc.gov.cn/ce/cgny/eng/lqz/laws/t42224.htm>

<sup>2</sup> the Postal Law [http://www.npc.gov.cn/zgrdw/englishnpc/Law/2011-02/15/content\\_1620653.htm](http://www.npc.gov.cn/zgrdw/englishnpc/Law/2011-02/15/content_1620653.htm)



دومین رویکرد در مواجهه با اختلافات بالقوه یا امکان وجود اختلافات بین معاهدات بین‌المللی و قوانین داخلی این است که در آن، صریحا بیان می‌کند که یک قاعده ویژه یا خاص در یک معاهده می‌تواند مستقیما به کار گرفته شود تا از اعمال قوانین داخلی مربوطه یا مکمل این قوانین جلوگیری به عمل بیاورد. به عنوان مثال، ماده ۲۳ قانون جمهوری خلق چین در مورد استفاده از علائم صلیب سرخ<sup>۱</sup>، که به موجب حکم مشترک شورای دولتی و کمیسیون مرکزی نظامی جمهوری خلق چین در سال ۱۹۹۶ به تصویب رسید، بیان می‌دارد: "اگر در رابطه با استفاده از علائم صلیب سرخ مقررات محافظتی در این قانون گنجانیده نشده باشد، مقررات مربوط به کنوانسیون ژنو و پروتکل‌های الحاقی آنها اعمال می‌شود."

یک مثال دیگر می‌تواند در مقررات حفاظت از امنیت هواپیمایی خصوصی جمهوری خلق چین، که توسط حکم شورای دولتی در سال ۱۹۹۶ تصویب و اعلام شد بیان کرد. بند ۲ ماده ۲ می‌گوید: "این مقررات نیز در مورد هواپیماهای چینی که در فعالیت‌های هواپیمایی خصوصی خارج از قلمرو جمهوری خلق چین فعالیت می‌کنند قابل اعمال است، مگر اینکه در معاهدات بین‌المللی که جمهوری خلق چین آن را به تصویب رسانیده یا به آن ملحق شده است طور دیگری پیش بینی شده باشد."

با این وجود، باید اشاره کرد که علیرغم استفاده گسترده از این نوع مقررات در قوانین چین، نمی‌توان به وضوح قانع شد که قوانین بین‌المللی بر قوانین داخلی چین ارجحیت دارند، زیرا نیروی غالب معاهدات در قانون داخلی از هیچ مقررات قانونی که ریشه آن قانون اساسی یا قانون ملی باشد نیامده اما تنها به آن قوانینی محدود می‌شود که دولت چین به طور صریح تعهدات آن را به عهده گرفته است. قصد قانونگذار به عنوان یک عضو کنوانسیون ۱۹۶۹ وین در مورد حقوق معاهدات، بر این حقیقت استوار است که چین باید تعهدات مربوط به معاهده خویش را با حسن نیت انجام دهد و نباید استفاده از قانون داخلی خود را توجیهی برای از بین بردن تعهدات بین‌المللی اش، همانطور که در ماده ۲۷ کنوانسیون آمده است بکار بگیرد.

علاوه بر این در رویه حقوقی چین، معاهدات قدرت اجرایی و ارجحیت خود را بر قوانین داخلی تنها زمانی بدست می‌آورند که قوانین مربوطه داخلی شامل یک شرط صریح بر این مورد باشد. به عبارت دیگر، تعارض قوانین تنها برای گسترش قوانین خاص اجرایی می‌شود. این محدودیت‌های قانونگذاری در اجرای تعهدات معاهداتی در قانون داخلی به این دلیل است که تعادل منطقی بین قدرت قانونگذاری ملی و رویه معاهدات بین‌المللی و اطمینان از یکنواختی و هماهنگی در سیستم حقوقی داخلی را ایجاد کند. در نهایت، در اغلب موارد، مقررات حقوقی فوق‌الذکر حاوی مقررات قانونی برای ارجحیت دادن به معاهدات در حوزه

<sup>1</sup> Use of Red Cross Signs law, <http://www.asianlii.org/cn/legis/cen/laws/potuoorcs420/>



قوانین مدنی و تجاری که شامل روابط مدنی و اختلاف با عناصر خارجی است می‌باشد. پیش بینی شده است که با تقویت اصلاحات اساسی تحت سیاست باز، رویه قضایی چین در این زمینه به توسعه ادامه خواهد داد اما ماهیت تعهدات معاهداتی، به صورت ویژه در سیستم حقوقی ملی چین باقی خواهد ماند. (Keyuan,2010,935)

### شکلها و روش های کاربرد و اجرای معاهدات در قانون داخلی چین

قانون اساسی و قوانین موضوعه چین به طور صریح ذکر کرده‌اند که نه معاهدات به طور خودکار در قانون داخلی (یک رویکرد مونیستی) گنجانده می‌شوند و نه اینکه معاهدات باید قبل از اینکه در داخل کشور قابل اجرا باشند، باید به قوانین داخلی تبدیل شوند (یک رویکرد دو طبقه).

در عمل، اکثر موافقت‌نامه‌های اجرایی حاوی قوانینی هستند که به صورت خودکار و توسط خود معاهده قدرت اجرایی پیدا می‌کند. این بدان معنا است که آن‌ها می‌توانند بدون نیاز به اقدام قانونی در داخل کشور اجرا شوند. با این حال، معاهدات با تعهدات اساسی یا ماهوی معمولاً مستلزم قانون ویژه داخلی است که به قانون داخلی تبدیل شده و به طور غیر مستقیم اعمال می‌شود. به طور کلی، چین سه شکل یا روش اجرا توسط اقدامات اداری، تبدیل تعهدات معاهده و اعمال مستقیم معاهدات تحت قوانین خاص ملی را برای تطبیق تعهدات قرارداد، اتخاذ کرده است.<sup>۱</sup> (Cai,2016,65)

### اجرای تعهدات معاهداتی از طریق اقدامات اداری

تعداد زیادی از موافقت‌نامه‌های همکاری‌های دوجانبه و یادداشت‌های تفاهم که توسط دولت چین یا ادارات دولتی به تصویب رسید، وجود دارد. تحت شرایط قانون معاهداتی، همه آن‌ها به عنوان معاهدات بین‌المللی واجد شرایط هستند. این معاهدات معمولاً از طریق حکم یا اقدامات اداری اجرا می‌شود؛ آن‌ها معمولاً نیازی به اقدامات قانونی دیگر داخلی ندارند. به عنوان مثال، اطلاعیه‌های مربوط به آموزش و تبادل فرهنگی بین دولت‌ها، موافقت‌نامه‌های همکاری در زمینه بهداشت عمومی و غیره به طور مستقیم توسط ادارات اداری مربوطه اجرا می‌شود. این معاهدات به ندرت به اختلافات قانونی در قانون داخلی منجر می‌شود.

<sup>۱</sup> طبق قانون چین، هیچ قانونی وجود ندارد که به صراحت اشکال یا شرایط را برای اجرای مفاد معاهده در سطح داخلی و یا در دادگاه‌های ملی تنظیم کند. این مسئله توسط NPC در هنگام تهیه پیش نویس آیین نامه قانونگذاری مورد توجه قرار گرفت، اما پیش از کنگره خلق، به دلیل ماهیت پیچیده پیاده سازی مفاد، هیچ پیشنهادی خاصی ارائه نشد. سه شکل در این فصل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و از نظر عملی خلاصه می‌شوند و به طور کلی به عنوان شکل قانونی در نظام حقوقی چین مورد توجه قرار می‌گیرند. با این حال، باید توجه داشت که دوگانگی بین رویکرد مونیستی و یک رویکرد دوگانه، بیشتر از تمایز نظری است، نه انتخاب سیستماتیک. در عمل دولت، مونیزم و دوگانگی اغلب مخلوط و مبهم هستند، بسته به موضوع یا ماهیت معاهده. این در مورد کشور چین نیز صادق است.





## تبدیل تعهدات معاهده از طریق قوانین ملی

روند تبدیل به طور معمول به یکی از دو روش صورت می‌گیرد: (۱) تبدیل تعهدات پیمان توسط مقررات ویژه ملی. یا (ب) ادغام تعهدات پیمان در قوانین داخلی از طریق اصلاح قوانین موجود.

اصلاح تعهدات معاهده به وسیله قوانین خاص ملی معمولاً زمانی اتفاق می‌افتد که موضوع مربوطه با قوانین داخلی موجود نباشد. به عنوان مثال، چین قوانین ویژه‌ای را برای اجرای معاهدات در مورد امتیازات و مصونیت‌های دیپلماتیک و کنسولی، خلع سلاح و عدم گسترش و قانون دریا اعمال کرده است. با توجه به ویژگی‌های ویژه تعهدات معاهداتی و ملاحظات سیاست خارجی، اغلب لازم است که قوانین ملی خاصی را در پرتو تعهدات معاهداتی به لحاظ شرایطی برای اعمال و یا ایجاد یک مکانیسم اجرایی ملی برای اهداف سازگار و اجرای تعهدات موثر در سطح ملی به تصویب برساند (Cai, 2016, 115).

به عنوان مثال، پس از آنکه چین به کنوانسیون ۱۹۶۱ وین در رابطه با روابط دیپلماتیک و کنوانسیون ۱۹۶۳ کنوانسیون روابط کنسولی پیوست (از این پس به اختصار مقررات نامیده می‌شود)، کمیته دائمی کنگره ملی خلق چین<sup>۱</sup> NPC مقررات جمهوری خلق چین در مورد امتیازات و مصونیت‌های دیپلماتیک در سال ۱۹۸۶، قوانین جمهوری خلق چین مقررات این معاهدات به قوانین داخلی انتقال داد. به این ترتیب، به عنوان یک موضوع رسمی، دادگاه‌ها و ادارات اداری، در صورت برخورد با پرونده‌های مربوط به امتیازات و مصونیت‌های دیپلماتیک یا کنسولی، به جای احکام وین، مقررات را اعمال می‌کنند. با این وجود، این مقررات همچنین بیان می‌کند که در صورت عدم وجود هر قانون دیگری، کنوانسیون‌های وین اجرا خواهد شد. به عبارت دیگر، مقررات کنوانسیون‌های وین تحت شرایط خاص به عنوان مکمل مقررات به طور مستقیم قابل اجرا هستند.

به دنبال شرکت چین در کنوانسیون ۱۹۸۲ سازمان ملل متحد درباره حقوق دریاها، در سال ۱۹۹۲ کمیته دائمی NPC قانون جمهوری خلق چین درباره مناطق دریایی و منطقه مجاور را تصویب کرد، که یک گستره وسیع، مقررات مربوطه این کنوانسیون را شامل می‌شود. به طور مشابه، در سال ۱۹۹۸، قانون جمهوری خلق چین در مناطق اقتصادی وفلات قاره به تصویب رسید. در حال حاضر، مجموعه‌ای از قوانین ملی و رژیم‌های قانونی وجود دارد که حفظ و استفاده از محیط زیست دریایی و منابع را تنظیم می‌کند. همه آن‌ها مطابق با مقررات کنوانسیون دریانوردی هستند. یک مثال دیگر مربوط به کنوانسیون ۱۹۹۲ منع توسعه، تولید،

<sup>1</sup> National People's Congress



ذخیره‌سازی و استفاده از سلاح‌های شیمیایی و تخریب آن‌ها است (از این پس با اختصار <sup>۱</sup>CWC نامیده خواهد شد)<sup>۲</sup> که در سال ۱۹۹۷ به اجرا درآمد.<sup>۳</sup> چین پس از عضویت در این کنوانسیون، مجموعه‌ای از قوانین را برای اجرای داخلی تصویب کرد از جمله، مقررات جمهوری خلق چین در مورد مواد شیمیایی کنترل شده (۱۹۹۵)<sup>۴</sup>؛ فهرست مواد شیمیایی کنترل شده بر اساس طبقه‌بندی (۱۹۹۶)<sup>۵</sup>؛ قوانین اجرای مقررات جمهوری خلق چین در مورد شیمیایی تحت کنترل (۱۹۹۷)<sup>۶</sup>؛ و فهرست اقلام که اخیراً در سه گروه مواد شیمیایی کنترل شده (۱۹۹۸) قرار دارد. فهرست اقلامی که اخیراً در سه گروه مواد شیمیایی کنترل شده (۱۹۹۸)<sup>۷</sup> قرار دارند. این قوانین به عنوان چارچوب قانونی برای اجرای کنوانسیون، به دولت اجازه می‌دهد تا نظارت بر تولید، تجارت، استفاده، ذخیره‌سازی و واردات مواد شیمیایی برنامه ریزی شده را تأمین کند. علاوه بر این، شورای دولتی همچنین اقدامات مربوط به کنترل صادرات مواد شیمیایی مربوطه و تجهیزات و فناوری‌های مرتبط با آن‌ها (از جمله لیست موارد تحت کنترل صادرات، ۲۰۰۲) را صادر کرد تا کنترل بیشتری بر صادرات مواد شیمیایی مربوطه و تجهیزات و فن آوری‌های مرتبطه که استفاده دوگانه دارد را نیز داشته باشد. (Seymour and Wong, 2015, 47)

برای جلوگیری از اعمال تروریستی، از جمله موارد انجام شده با مواد شیمیایی سمی، در دسامبر ۲۰۰۱، کمیته دائمی NPC، اصلاحیه شماره ۳ قانون کیفری را تصویب کرد، که ساختن، حمل و نقل یا ذخیره سازی مواد سمی یا پاتوژن بیماری‌های عفونی، یا انتشار هر گونه مواد یا پاتوژن‌هایی که امنیت عمومی را به خطر می‌اندازند جرم تلقی می‌شود و مجازات‌های متعددی برای چنین جرایمی ارائه شده است. چین علاوه بر قوانین ملی، مطابق با مقررات CWC، یک دفتر ملی و تعدادی دفاتر محلی برای اجرای CWC ایجاد کرده است که مسئول نظارت بر اجرای این معاهده است.

<sup>1</sup> 14 The Convention on the Prohibition of the Development, Production, Stockpiling and Use of Chemical Weapons and on Their Destruction, adopted on 30 November 1992, by UN General Assembly Resolution 47/39. The treaty entered into force on 29 April 1997.

<sup>۲</sup> کنوانسیون ممنوعیت توسعه، تولید، ذخیره سازی و استفاده از سلاح‌های شیمیایی و تخریب آنها، در تاریخ ۳۰ نوامبر ۱۹۹۲ توسط قطعنامه ۳۹/۴۷ مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب شد. این معاهده در تاریخ ۲۹ آوریل ۱۹۹۷ به اجرا گذاشته شد.

<sup>۳</sup> در طول دوره آماده سازی برای ورود به قانون CWC، در حالی که چین به عنوان یک امضا کننده بود دولت قوانین ملی را جهت انطباق با این کنوانسیون تصویب کرد.

<sup>۴</sup> the Regulation of the People's Republic of China on Controlled Chemicals

<sup>۵</sup> the List of Controlled Chemicals by Category

<sup>۶</sup> the Rules of Implementation for the Regulations of the People's Republic of China on Controlled Chemicals

<sup>۷</sup> the List of Items Newly Included in Category Three of Controlled Chemicals



نوع دوم ساز و کار برای تبدیل تعهدات معاهدات، اصلاح یا بازبینی قوانین ملی پیشین است تا آن‌ها را با مقررات معاهده هماهنگ کند. این رویه به شایع‌ترین راه برای چین برای اجرای تعهدات معاهده خود تبدیل شده است. اصلاحات یا بازبینی اصلاحات ممکن است قبل یا بعد از پیوستن چین در یک معاهده ایجاد شود.

در سال ۱۹۹۵، چین قوانین هواپیمایی مدنی را تصویب کرد که قوانین مربوط به حقوق هواپیماهای خصوصی را همان‌گونه که در کنوانسیون بین‌المللی به رسمیت شناختن حقوق هواپیما، که در ژنو در سال ۱۹۴۸ انجام شده بود، تدوین کرد. پس از اینکه چین، رژیم ثبت ملی خود را برای هواپیماهای داخلی برقرار کرد و قادر به انجام تعهدات مربوط به معاهدات مربوطه شد، در سال ۲۰۰۰ به این کنوانسیون پیوست. به صورت مشابه، چین به عنوان یک عضو کنفرانس حقوق بین‌الملل خصوصی لاهه در گفتگوهای کنوانسیون لاهه ۱۹۹۳ در زمینه حمایت از کودکان و همکاری در زمینه پذیرش فرزندخواندگی نیز شرکت کرد.

از آنجایی که بین مقررات کنوانسیون و قوانین ملی تفاوت وجود داشت، چین چندین سال پس از تصویب این کنوانسیون به عنوان یک عضو ناظر در کنوانسیون باقی ماند و تنها پس از اصلاح قوانین ملی خود در مورد فرزندخواندگی، در سال ۲۰۰۵ به عضویت کنوانسیون درآمد (Seymour and Wong, 2015, 47)

ماده ۹ قانون جزای جمهوری خلق چین، که در سال ۱۹۹۷ اصلاح شده است، تصریح می‌کند: "این قانون برای جرایمی که در معاهدات بین‌المللی منعقد شده یا توسط جمهوری اسلامی خلق چین پذیرفته و اعمال می‌شود، قابل اجرا است. ۱۷ ماده ۱۱ می‌افزاید: "مسئولیت کیفری اتباع خارجی که از امتیازات دیپلماتیک و مصونیت برخوردار هستند از طریق مجرای دیپلماتیک حل می‌شود."

در حوزه حقوق بشر، کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشر، تاثیر مستقیم قانونی بر قوانین داخلی ندارد. صرف نظر از این که آیا تصویب یا پیوستن معاهدات حقوق بشر نیاز به اصلاح یا تجدید نظر در قوانین داخلی دارد، چنین معاهداتی معمولاً از طریق قوانین داخلی اعمال می‌شود. در سال ۲۰۰۴، NPC قانون اساسی را اصلاح کرد و یک بند ویژه برای حمایت از حقوق بشر اضافه کرد. مقررات جدید، بند ۳ ماده ۳۳ قانون اساسی، بیان می‌دارد که "دولت به حقوق بشر احترام می‌گذارد و از آن حمایت می‌کند". بدین ترتیب، تضمین قانون اساسی برای حمایت از حقوق بشر و اجرای معاهدات حقوق بشر در قانون داخلی چین است. چین در حال حاضر تمام معاهدات حقوق بشر، به جز پیمان بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که هنوز تصویب نشده است، را پذیرفته و در آن عضو شده است. هر یک از این معاهدات از طریق قوانین داخلی



اجرا می‌شود. به عنوان مثال، قانون آموزش اجباری ۱۹۸۶<sup>۱</sup>، قانون حمایت از معلولین سال ۱۹۹۰<sup>۲</sup>، قانون حمایت از حقوق زنان در سال ۱۹۹۲ و قانون کار ۱۹۹۴ همه شامل مقررات اجرای تعهدات بین‌المللی است که چین به آن پیوسته اما هیچ یک از این قوانین داخلی هیچ اشاره خاصی به معاهدات ندارد.<sup>۳</sup> این بدان معنی است که هنگامی که چین عضو یک معاهده حقوق بشر می‌شود، ابتدا اطمینان می‌دهد که قوانین ملی آن با شرایط این معاهده مطابقت دارد. بنابراین حمایت از حقوق بشر فردی از طریق قوانین ملی تامین می‌شود. در دادرسی‌های قضایی، دادگاه به طور مستقیم قوانین ملی مربوطه را برای جبران هر گونه نقض حقوق فردی اعمال می‌کند (Mendez, 2013, 33)

در زمینه حقوق کار، جمهوری خلق چین قوانین بسیاری را برای جلوگیری از تبعیض بین کارگران زن و مرد تصویب کرده است تا تعهدات خود در مورد رعایت حقوق بشر را اجرا نماید. قوانین چین و معاهدات بین‌المللی که چین به آن‌ها ملحق شده، تبعیض در اشتغال بر اساس جنسیت، قومیت، ناتوانی، اقامتگاه روستایی یا داشتن بیماری عفونی را منع کرده یا محدود کرده است. قربانیان تبعیض از این قوانین و فعالیت‌های اجتماعی، در شیوه‌های گوناگون و نوآورانه برای درخواست بازپرداخت و اصلاح استفاده کرده‌اند. در ماه مارچ ۲۰۱۹ وزارت منابع انسانی و امنیت اجتماعی چین و وزارت آموزش و پرورش (و هفت بخش دیگر) اعلامیه مربوط به اشتغال زنان را منتشر کردند. این اطلاعیه اعلام می‌کند که تبعیض جنسیتی در هنگام استخدام یا استخدام ممنوع است. کارفرمایان به طور کلی از محدود کردن جنسیت کاندیداها، دادن اولویت به هر جنسیتی یا رد کردن استخدام زنان ممنوع است. کارفرمایان نیز مجاز به پرسیدن موارد زیر نیستند:

- ۱- درخواست وضعیت زناشویی و زایمان
- ۲- درخواست نتیجه تست حاملگی به عنوان قسمتی از آزمایشات پزشکی در زمان ورود به شرکت
- ۳- محدود کردن بچه‌آوری به عنوان یک شرط استخدامی<sup>۴</sup>
- ۴- یا درخواست استاندارد بالاتر برای داوطلبان زن.

<sup>1</sup> Compulsory Education Law

<sup>2</sup> The Law on the Protection of Disabled Persons

<sup>3</sup> این رویه همچنین می‌تواند در گزارش‌های اجرای ملی برای مقررات حقوق بشر که به صورت دوره‌ای به سازمان‌های نظارتی پیمان که در هر کنوانسیون ایجاد شده است، مشاهده شود.

<sup>4</sup> Article 27, Employment Promotion Law of the People's Republic of China



اگر کارفرمای مشکوک به تبعیض جنسیتی در طول روند استخدام (معمولا به این دلیل که کسی شکایت کرده است یا آن را به مقامات گزارش داده است)، مقامات مربوطه ممکن است از طریق مصاحبه / گفتگو / ملاقات با کارفرمایان و انجام تحقیقات گسترده در زمینه کارفرمایان این نتیجه را تایید کنند. سپس اگر ادعاهای تبعیض جنسیتی تأیید شود، به کارفرما دستور داده می‌شود که اقدامات اصلاحی انجام دهد. یک کارفرمای که از صحبت کردن یا ملاقات و یا هر نوع ارتباط دیگری با مقامات و یا از اصلاح اشتباه خود در صورت صدور دستور مربوطه درباره تقض مقررات حقوق کارگران توسط کارفرما نیز خودداری کند، اطلاعات و اسم وی به عنوان ناقض این مقررات و فردی تبعیض گر در زمینه حقوق کارگر در رسانه‌ها منتشر خواهد شد. زنان معتقدند که قربانی تبعیض جنسیتی می‌شوند، ممکن است پرونده‌ای را مبنی بر نقض حقوق مشاغل خود در برابر آن‌ها ایجاد کنند و اگر واجد شرایط باشند، کمک‌های حقوقی را در اثبات این ادعاها خواهند داشت.

مقامات چینی "فعالانه" محتویات اطلاعات استخدام کارمندان را ممیزی کرده و دستوراتی را برای نقض کنندگان جهت تصحیح آگهی‌های شغلی حاوی مطالب تبعیض جنسیتی صادر می‌کنند. اگر کارفرمای پست‌های شغلی را با محتوای تبعیض جنسیتی منتشر کند، طبق قانون مجاز به انجام اصلاحات خواهد شد و اگر از انجام این کار اجتناب کند، مبلغی که "کمتر از ۱۰,۰۰۰ RMB، اما نه بیش از ۵۰,۰۰۰ یوان" هست جریمه خواهد شد. این تخلفات و به اداره ثبت اطلاعات یکپارچگی منابع انسانی می‌رود و می‌تواند کارفرما را به عنوان "کارفرمای بدون صداقت" مجازات کند (Lu, 2015, 132).

چین هیچ قانونی جداگانه‌ای ندارد که تبعیض کار را ممنوع کند. اما مقرراتی در قوانین دیگری وجود دارد که تبعیض علیه کارگر را ممنوع می‌کند. قانون جذب استخدام جمهوری خلق چین و قانون کار جمهوری خلق چین شامل مقرراتی هستند که اصل اساسی برابری شغلی را تضمین می‌کنند. سایر قوانین که گروه خاصی از مردم را هدف قرار می‌دهد، از جمله قانون حمایت از حقوق و منافع زنان<sup>۱</sup> و قانون جمهوری خلق چین در حمایت از افراد معلول<sup>۲</sup>، قانون قراردادهای کار چین<sup>۳</sup> شامل مقرراتی است که از منافع کارگران محافظت می‌کند.

<sup>1</sup> Law of the People's Republic of China on the Protection of Rights and Interests of Women, <https://www.cecc.gov/resources/legal-provisions/protection-of-womens-rights-and-interests-law-of-the-peoples-republic-of>

<sup>2</sup> Law of the People's Republic of China on the Protection of Persons with Disabilities [http://www.cdpc.org.cn/english/Resources/lawsregulations/201603/t20160303\\_542879.shtml](http://www.cdpc.org.cn/english/Resources/lawsregulations/201603/t20160303_542879.shtml)

<sup>3</sup> Labour Contract Law of the People's Republic of China [http://210.82.31.8/englishnpc/Law/2009-02/20/content\\_1471106.htm](http://210.82.31.8/englishnpc/Law/2009-02/20/content_1471106.htm)



## ۱. قانون استخدام جمهوری خلق چین<sup>۱</sup>

این قانون در جلسه ۱۲۹ام کمیته دائمی دهمین کنگره ملی مردم در ۳۰ اوت ۲۰۰۷ و در تاریخ ۱ ژانویه ۲۰۰۸ به تصویب رسید. مقررات آن در مورد شرایط کاری عبارتند از:

### فصل اول مقررات

عمومی ماده ۳ کارگران به موجب قانون باید از حق برخورداری از حقوق برابر و اشتغال خود برخوردار شوند. هیچ کارگرانی که در جستجوی شغل هستند، نباید بر اساس نژاد، جنسیت و اعتقادات مذهبی تبعیض قائل می شوند.

### فصل ( سوم ) III اشتغال عادلانه

ماده ۲۷ دولت باید برابری زنان با مردان را در متفع شدن از حقوق کار محافظت کند. به استثنای انواع خاصی از کار و یا موقعیت‌های تعیین شده توسط دولت که به عنوان اشتغال نامناسب برای زنان است ، در هنگام استخدام کارمندان جدید، هیچ واحد یا سازمانی نباید از استخدام زنان به دلیل جنسیت و یا تعیین معیارهای استخدامی بالاتر برای زنان امتناع نماید. واحد استخدامی در هنگام استخدام یک کارمند زن، نباید بندی را در قرارداد کاری اعمال کند که محدودیت‌های ازدواج یا زایمان را برای کارمند تعیین می کند.

ماده ۲۸ کارگران همه گروههای قومی باید حق برخورداری از حقوق برابر را داشته باشند. واحدهای اشتغال، هنگام استخدام کارمندان جدید، باید با توجه به قانون، باید رفتار مناسبی را با کارکنان اقلیت قومی انجام دهند.

ماده ۲۹ دولت از حقوق کار افراد معلول محافظت می کند. دولت در همه سطوح باید استخدام افراد معلول را سازماندهی و هماهنگ سازند و شرایط کاری مناسب برای چنین افرادی ایجاد کنند.

هیچ واحد استخدامی، در هنگام استخدام کارمندان، نباید بر افراد معلول تبعیض قائل شود.

ماده ۳۰ هیچ واحد استخدامی نباید از استخدام کارمند یا کارگری که داوطلب یک شغل است بر اساس اینکه حامل هر بیماری پاتولوژیک عفونی است خودداری کند. با این وجود، هیچ کسی که حامل مپنون هر گونه بیماری پاتوژن عفونی که احتمال وجود آن در معاینه پزشکی ثابت شده است، مجاز به ورود به هر نوع اشتغال برای تسهیل گسترش بیماری‌های عفونی است. این مورد توسط قانون، مقررات اداری یا اداره کل امور بهداشت عمومی شورای دولتی تا قبل از آنکه درمان شود یا سوء ظن را برطرف کند را از ورود به هر نوع شغل ممنوع ساخته است.

<sup>1</sup> Employment Promotion Law of the People's Republic of China



ماده ۳۱ کارگران روستایی که به مناطق شهری سفر می‌کنند، از حقوق کار برابر با کارگران شهری برخوردار می‌شوند و از محدودیت‌های تبعیض آمیز برخوردار نیستند (Lu, 2015, 135)

### فصل هشتم مسئولیت پذیری

ماده ۶۲ در صورت هر گونه تبعیض اشتغالی به موجب نقض مفاد این قانون، کارگر (های) مربوطه می‌تواند در دادگاه مردمی اقدام به طرح شکایت کند.

ماده ۶۸ هر فردی که مفاد این قانون و حقوق و منافع قانونی کارگری را نقض می‌کند و باعث از بین رفتن اموال و یا هرگونه آسیب دیگر شود، مطابق با قانون، مسئولیت مدنی را بر عهده دارد. جایی که این تخلف، جنایت را تشکیل می‌دهد، مسئولیت کیفری باید مطابق با قانون رسیدگی شود.

### ۲. قانون کار جمهوری خلق چین<sup>۱</sup>

این قانون در نشست کمیته دائمی هشتمین کنگره ملی مردم در تاریخ ۵ ژوئیه ۱۹۹۴ و در تاریخ ۱ ژانویه ۱۹۹۵ به تصویب رسید. مقررات آن در مورد شرایط کاری عبارتند از:

#### فصل ۱ مقررات عمومی

ماده ۳ کارگران حق دارند که به طور برابر کار کنند، شغل‌ها را انتخاب کنند، حقوق بازنشستگی برای کار، برگزاری تعطیلات، تعطیلات و برگ‌ها، حفاظت از ایمنی و بهداشت کار، آموزش در مهارت‌های حرفه‌ای، برخورداری از بیمه اجتماعی و درمان رفاه، و ارائه درخواست برای حل و فصل اختلافات کار و سایر حقوق کار مندرج در قانون برخوردار باشند.

ماده ۱۲ به دلیل تابعیت، نژاد، جنسیت یا اعتقاد مذهبی، کارگران نباید در کارمورد تبعیض قائل شوند.  
ماده ۱۳ زنان باید از حقوق برابر با مردان شاغل برخوردار شوند. جنسیت به عنوان بهانه‌ای برای محرومیت زنان از اشتغال در هنگام استخدام کارگران مورد استفاده قرار نمی‌گیرد، مگر اینکه نوع کار یا پستی‌هایی که برای آن‌ها استخدام کارگران می‌شود طبق مقررات ایالتی برای زنان مناسب نباشد. معیارهای استخدام در مورد زنان نیز افزایش نمی‌یابد.

### ۳. قانون حمایت از حقوق و منافع زنان<sup>۲</sup>

این قانون در جلسه پنجم هفتمین کنگره ملی مردم جمهوری خلق چین در تاریخ ۳ آوریل ۱۹۹۲ به تصویب رسید و در جلسه ۱۷ کمیته دائمی ۱۰ کنگره ملی مردم در تاریخ ۲۸ اوت ۲۰۰۵ اصلاح شد. این قانون به صورت خاص در جهت حفظ حقوق و کرامت زن در چین اقدام به قانون گذاری کرد.

<sup>1</sup> Labor Law of the People's Republic of China

<sup>2</sup> Law on the Protection of Women's Rights and Interests



مقررات آن در مورد شرایط کاری عبارتند از:

### فصل اول مقررات عمومی

ماده ۱ طبق قانون اساسی و شرایط واقعی کشور، این قانون برای محافظت از حقوق و منافع قانونی زنان، ترویج برابری مردان و زنان و اجرای کامل نقش زنان در مدرن سازی جامعه سوسیالیستی است.  
ماده ۲ زنان باید از حقوق برابر با مردان در تمامی جنبه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و زندگی خانوادگی برخوردار باشند.

دولت باید سیاست برابر برای مردان و زنان را به عنوان یک سیاست اساسی ملی اجرا کند. دولت اقدامات لازم را اتخاذ می کند و به تدریج سیستم های مختلف را برای محافظت از حقوق و منافع زنان و جلوگیری از هر تبعیض علیه زنان بهبود می بخشد.

### فصل چهارم حقوق و منافع مربوط به کار و امنیت اجتماعی

ماده ۲۱ دولت باید تضمین کند که زنان از حقوق برابر با مردان برخوردار باشند.  
ماده ۲۲ به استثنای انواع خاصی از کار یا پست های نامناسب برای زنان، هیچ واحدی نمی تواند در استخدام کارمندان و کارگران از استخدام زنان به دلیل جنس و یا افزایش استانداردهای اشتغال زنان استفاده کند.

ماده ۴۲ حقوق شخصیتی زنان از جمله حق شهرت، حق ناموس، حق خلوت و حق چاپ باید از طرف قانون محافظت شود.

تحقیر عزت نفس زنان از راه تحقیر و افتراء ممنوع است. فریب دادن یا تحریک شخصیت زنان از طریق رسانه های جمعی و یا به روش های دیگر ممنوع است. استفاده از پرتره زن (تصویر زن)<sup>۱</sup> برای اهداف سودآوری در تبلیغات، علائم تجاری، نمایش پنجره، روزنامه ها، مجلات، کتاب ها، محصولات صوتی و تصویری، نشریات الکترونیکی، اینترنت و غیره، بدون رضایت شخصی خانم ها ممنوع است (Tieya, 1998, 209)

### ۴. قانون جمهوری خلق چین در حمایت از افراد معلول<sup>۲</sup>

این قانون در دومین جلسه کنگره از یازدهمین جلسه کنگره ملی خلق چین و در دومین جلسه کمیته دائمی در ۲۴ آوریل ۲۰۰۸ تصویب و در اول جولای همان سال به اجرا در آمد. این قانون با ۲۳ ماده علاوه بر مقرراتی که در قوانین کار برای جلوگیری از تبعیض علیه کارگران با وضعیت معلول وجود دارد، تصویب

<sup>1</sup> woman's portrait

<sup>2</sup> Law of the People's Republic of China on the Protection of Persons with Disabilities





شد تا حمایت حداکثری را از افراد معلول را پرتو قانون بنماید. طبق ماده ۲ این قانون: فرد دارای معلولیت به کسی اطلاق می‌شود که ناهنجاری‌های از دست دادن یک اندام خاص یا عملکرد، روانی یا فیزیولوژیکی یا در ساختار آناتومیک و توانایی انجام یک فعالیت را به روشی که عادی تلقی می‌شود از دست داده است.

اصطلاح "یک فرد دارای معلولیت" به شخص دارای معلولیت بینایی، شنوایی یا گفتاری یا معلول جسمی، روحی و روانی یا روانپزشکی، ناتوانی‌های متعدد و / یا سایر ناتوانیها اطلاق می‌شود.

ماده ۳ این قانون درباره حقوق برابر این افراد با افراد دیگر جامعه عنوان میدارد که: افراد دارای معلولیت از نظر سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و همچنین در زندگی خانوادگی از حقوق برابر با سایر شهروندان برخوردار می‌شوند.

این قانون در فصل چهارم و هشتم مقرراتی را جهت حمایت از افراد معلول بیان می‌کند. طبق این فصول:

#### فصل IV (چهارم) اشتغال

ماده ۳۰ دولت باید استخدام افراد معلول را از طریق واحدهای مختلف ترویج کند و در تمام سطوح و ادارات مربوطه باید در این زمینه سازماندهی و هدایت کنند. سازمان‌های دولتی، سازمان‌های عمومی، موسسات و سازمان‌های اقتصادی جمعی شهری و روستایی باید یک نسبت معینی از افراد معلول را در انواع مناسب کار و پست‌ها استخدام کنند. نسبت خاص می‌تواند توسط دولت‌های محلی، مناطق خودمختار و شهرداری‌ها به طور مستقیم تحت حکومت مرکزی مطابق با شرایط واقعی آنها تعیین شود.

#### فصل ۸: وظایف حقوقی

ماده ۵۹ از آنجا که حقوق و منافع قانونی افراد معلول نقض شده است، متخلفان حق دارند شکایت خود را به سازمان‌های افراد معلول ارائه دهند. سازمان‌ها باید از حقوق و منافع قانونی افراد معلول حفاظت کنند و حق دارند از ادارات معین برای تحقیق و اقدام درخواست کنند. ادارات ذیربط چنین تحقیقاتی را انجام می‌دهند و پاسخ می‌دهند.

انجمن‌های افراد معلول باید به افرادی که دارای معلولیت هستند و برای کمک به احقاق حق برخوردار از حق حاکمیت احتیاج دارند کمک می‌کند. در جایی که منافع گروه خاصی از افراد معلول نقض می‌شوند، سازمان‌های افراد معلول حق دارند از ادارات صالحه درخواست تحقیق کنند و مجرمان را مسئولانه نگه دارند.

در همین راستا، قانون قراردادهای کار چین در ماده ۴۲ جهت حمایت هرچه بیشتر از کارگران عنوان میدارد:

کارفرما قرارداد کار را طبق ماده ۴۰ یا ماده ۴۱<sup>۱</sup> در صورتی که کارمند مطابق با هر یک از شرایط زیر باشد، خاتمه نخواهد داد:

۱- هر کارگر که عملیاتی را انجام دهد که او را در معرض خطرات ناشی از بیماری‌های شغلی قرار دهد، قبل از ترک پست (شغل) خود، معاینه پزشکی انجام نداده باشد، یا مظنون به داشتن یک بیماری شغلی است و تحت تشخیص یا مشاهده پزشکی است.

۲- هر کارگر دارای بیماری شغلی است یا به صورت ناقص یا کامل توانایی کار کردن خود را در حین کار و در زمانی که برای کارفرما کار می‌کند از دست داده و این نکته توسط پزشک مربوطه تایید شده است.

۳- هر کارگر از بیماری رنج می‌برد یا صدمه‌ای دیده که مربوط به کارش برای کارفرما نیست و دوره معالجه‌اش که توسط پزشک تجویز شده تمام نشده باشد.

۴- هر کارگر زن که در دوران بارداری، زایمان یا دوره پرستاری است.

۵- هر کارگری بیش از ۱۵ سال به طور مداوم برای کارفرما کار می‌کند و کمتر از پنج سال از سن قانونی بازنشستگی خود فاصله دارد. یا

۶- سایر شرایط طبق قانون یا مقررات اداری مقرر شده است. (Tieya, 1998, 213)

از بررسی این قوانین و مقررات این نکته آشکار می‌شود که چین با جدیت و حسن نیت تمامی قوانین حقوق بشری را در قوانین خود گنجانیده است و اجرای این قوانین را از طریق قوانین ملی خود تضمین میکند. چین ۲۶ کنوانسونی که توسط سازمان جهانی کار اعلام شده، را تصویب کرده است و این نشانگر پابندی چین به قوانین بین‌المللی است.

#### نتیجه گیری

قوانین چین با سرعت در حال رشد و تغییر هستند و جمهوری خلق چین با احترام کامل به حقوق بین الملل تعهدات خود را انجام میدهد. در زمینه حقوق بین‌الملل عمومی سیستم حقوقی چین با وارد کردن تعهدات بین‌المللی اش در حقوق داخلی به آنها درجه هم پایه با حقوق داخلی خود اعطا کرده است. در عین

<sup>۱</sup> ماده ۴۰ و ۴۱ قانون قرارداد کار چین میباشد که جهت کوتاه کردن مطلب در اینجا آورده نشده است، جهت مطالعه بیشتر در میتوانید به ادرس زیر مراجعه فرمایید و یا با نویسنده در ارتباط باشید.



حال چین، رویه خاص خود را برای اعمال قوانین بین‌المللی دارد که ممکن است با نگرش کشورهای دیگر همخوانی نداشته باشد، مثلاً نوع نگرش چین به حقوق بشر بین‌المللی. این تعهدات بین‌المللی باعث رشد و شکوفایی چین در عرصه بین‌المللی شده و این باعث شد که کشورهای بیشتر چین را به عنوان شریک سیاسی و تجاری خود را رسمیت بشناسند. این مدل عملکرد چین میتواند به عنوان الگویی برای کشورهای در حال توسعه همچون ایران باشد که بتوانند خود را همسو با قوانین بین‌المللی به جامعه جهانی معرفی نمایند. نکته‌ای که در مدل چین، در جهت اجرای قوانین بین‌المللی وجود دارد این است که چین قوانین بین‌المللی را به صورتی که جود دارد وارد قوانین خود نکرده، بلکه با الهام از روح قوانین سعی بر ایجاد تغییراتی در قوانین خود کرده که با فرهنگ، آداب و رسوم جامعه خود هماهنگ باشد. این یکی از نقاط قوت چین در اجرای تعهدات بین‌المللی اش می باشد.

منابع

### **Book and Articles**

- 1- Chinese Journal of International Law (2009), Vol. 8, No. 2, 299–322
- 2- Chinese Yearbook of International Law(1994); WANG Tieya, Introduction to International Law (Beijing University Press, 1998), 209
- 3- Jiefeng Lu, Regulating Employment Discrimination in China: A discussion from the Sociolegal Perspective, Michigan State,2015 International law review, Vol 23.2
- 4- Zou Keyuan, International Law in the Chinese Domestic Context, Valparaiso University law review. Valparaiso University. School of Law · January 2009
- 5- Mario Mendez, the Legal Effects of Treaties in Domestic Legal Orders and the Role of Domestic Courts, Print ISBN-13: 9780199606610, Published to Oxford Scholarship Online, 2013
- 6- Zou Keyuan, International Law in the Chinese Domestic context, Valparaiso University Law Review, Vol 44,No,33,pp 935-956,2010.
- 7- Congyan Cai, International Law in Chinese Courts During the Rise of China, The American Journal of International Law Vol. 110, No. 2 (April 2016).
- 8- Seymour, James and Yuk-Tung Wong, Patrick, China and the International Human Rights Covenants, Vol 47, Critical Asian Studies,2015.

### **Sites**

- 9- <https://www.chinalawblog.com/2019/03/chinas-new-gender-employment-discrimination-laws-just-to-be-perfectly-clear.html>
- 10- [www.chinalaw.gov.cn](http://www.chinalaw.gov.cn)
- 11- [www.fdi.gov.cn](http://www.fdi.gov.cn)



- 12- Chinese constitution law, Chinese labor law
- 13- Chinese Civil law, Criminal law
- 14- Law of the People's Republic of China on the Protection of Persons with Disabilities
- 15- Employment Promotion Law of the People's Republic of China
- 16- Law of the People's Republic of China on the Protection of Rights and Interests of Women
- 17- Labour Law of the People's Republic of China
- 18- Labor Contract Law of the People's Republic of China
- 19- [https://www.ilo.org/dyn/normlex/en/f?p=NORMLEXPUB:11200:0::NO::P11200\\_COUNTRY\\_ID:103404](https://www.ilo.org/dyn/normlex/en/f?p=NORMLEXPUB:11200:0::NO::P11200_COUNTRY_ID:103404)